



۲۱ فبروری ۲۰۱۴

حمید انوری

بوی جوی (خون کابلیان) آید همی*

بوی آتش، بوی باروت، بوی خون، بوی جنگ نمرود، بوی دود، فریاد و فغان مردمان بر هفت آسمان رفته بود، چور و کشتار، کشته ها بشمار، تعدی و تجاوز بر مرد و زن، مرده هر سو فتاده بی کفن، بوی جوی (خون کابلیان) آید همی!! آید همی!!

یکسو بینی احمد و محمود عزم غارت کرده اند، آنطرف تر کلبی و مقصود جنایت اندر جنایت کرده اند، کابل زیبا ویرانه گشت، خانه و کاشانه و کلبه گلین مردمان، سر به سر غم خانه گشت.

آن یکی بود ربانی که او را چور و غارت پیشه بود، و آن دیگر سیاف جانی که او را وهابی اندیشه بود، قصاب کابل گلبدین راکت پران، می زدی راکت پی راکت هر بام و شام، آن سوی دیگر مزاری و محقق با خلیل، می بریدی گوش و بینی مردمان بی دلیل، آنکه بودی او را رشید نام و می کشیدی گلم از زیرپا، سی و اندی سال جوی های خون کردی به پا. این جنایت گستران را جنایت پیشه بود، مابقی جز ریش و پشم، چیزی نبود...

این همان جمع اند که اکنون هر کدام عزم ریاست کرد اند، ریاست تنها بهانه است، باز هم فکر تاراج و عزم چور و غارت کرده اند...

بلی هموطن! آن زمانه های تاریک و آن دوران خون و خیانت و جنایت گذشت و به جز خاطرات وحشت آور و ویرانی کامل پایتخت کشور و بیش از شصت و پنج هزار (۶۵۰۰۰) شهید و ده ها هزار معیوب و بی خانمان، چیز دیگری از خود بجاه نگذاشت و ...

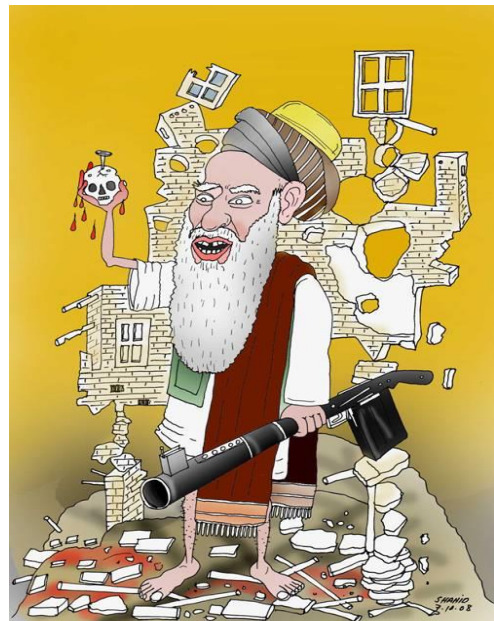
و اما در دوازده سال پسین، همین جنایت گستران بار دیگر بر مقدرات کشور حاکم ساخته شدند و به ریش ملت خندیدند.

آنانیکه بین سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ هست و بود کشور را بر باد دادند و خون خلایق اندر جام کردند و کشور من و تو را به یک ویرانه غم انگیز مبدل نمودند، هم صاحب آرگاه شدند و هم صاحب بارگاه، هم وزیر شدند و هم سفیر، هم جنرال شدند و هم

مارشال و هم چند چیز دیگر، اما هرگز آدم نشدند که نشدند. و اما و مگر ما را سر آن نیست که در این مختصر گفته های تلخ تکراری را بار دگر تکرار اندر تکرار گفته آئیم، بلکه میخواهیم بار دگر خاطر نشان سازیم که:

عاقبت گرگ زاده، گرگ شود
گرچه با آدمی بزرگ شود

قبلاً در حد توان گفته آمدیم که عبدالرب رسول سیاف، باوجود آنهمه جنایت و بربریت و خیانت و وحشت و چور و غارت و...، شوق ریاست جمهوری به کله بی مغز اش زده و توقع دارد که در بدل آنهمه جنایت و وحشت که با برادران جهادی خود براه انداخته بود، برایش پاداش داده شود و با چند ریش و پشم دیگر سرنوشت مملکت و مردم را بار دگر در دستان خون آلوده خویش گیرد و آنچه از نارواست، بار دگر بر خلق خدا روا دارد.



د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

اکنون که چند صبحی که از کارزار انتخاباتی نامزدان ریاست جمهوری میگذرد، همین سیاف و هابی شمشیرزن، سه بار خلاف قانون مرتبه خود جنابان عمل کرده و قانون را زیر پا گذاشته است. بار نخست که قبلاً در مورد تذکراتی داده شد، پولیس به اصطلاح ملی، یکی از هموطنان مظلوم ما را زیر ضربات وحشیانه مشت و لگد قرار دادند که اجازه نمیداد پوستر های بزرگ رنگه سیاف و هابی، تانک تیل او را به گند آلوده کند.

بار دوم هم پولیس به اصطلاح ملی، با نصب پوستر های بنده خدا و رسول شمشیری در وسایط نقلیه خویش، قانون را زیر پا کرده و برای این جنایت پیشه بی آرم، تبلیغات را براه اندخته بود که واضحاً به دستور قومندانان خویش به این کار مبادرت ورزیده بودند.

اما با درد و دریغ که پولیس های مذکور از کار برکنار شدند، اما دستور دهندگان همچنان به کار خویش مشغول اند و سیاف و هابی را کسی گفته نتوانست که بالای چشمت ابروست.

و حال در ظرف همین چند روز محدود، باردگر شاهد قانون شکنی دیگری این و هابی جنایت گستر هستیم. توجه کنید به گزارش ذیل:

درگیری در جریان مبارزات انتخاباتی در شهر کابل سه کشته بر جا گذاشت

سید مرتضی موسوی- کابل

دوشنبه ۲۸ دلو ۱۳۹۲ ساعت ۱۷:۴۷

گزارش ها از شمال کابل حاکی است که بعد از ظهر روز (دوشنبه-۲۸ دلو ۱۳۹۲) در نتیجاً درگیری میان اعضای ستاد انتخاباتی عبدالرب رسول سیاف، نامزد ریاست جمهوری و باشندگان کوئل خیرخانه، سه نفر کشته و چند تن دیگر زخمی شده اند.

سیاف شمشیرزن هنوز بر مسند قدرت تکیه نازده مشق دیکتاتوری و خشونت میکند و هنوز کارزار انتخاباتی نخستین روز های خود را پشت سر نگذاشته است که کشتار آغاز گردیده و شمشیری خون میخواهد، جوی های خون.

سه هموطن ما را افراد اجیر سیاف و هابی به شهادت رسانیده و خون چندین هموطن دیگر ما را هم بر زمین ریخته اند و این هنوز آغاز کار است.

دو ریش و پشم دیگر هم در دوکنار او قرار دارند که آماده خون ریختن و اجرای دستور و فرمان گرفتن و بستن و کشتن اند و این اژدهای چندسر، از همین حالا خون میخواهد. وای اگر این سه تفنگدار سرنوشت ملت و مملکت را به دستان کثیف و خونین خویش گیرند و در چنان حالتی، وای اگر از پی امروز بود فردائی!

گفته می شود که این درگیری به دنبال آن صورت گرفت که هواداران عبدالرب رسول سیاف کاندید ریاست جمهوری، قصد چسباندن بنر های انتخاباتی را داشتند که باشندگان با این اقدام مخالفت کردند.

آن هموطن دیگر ما هم درست زمانی که مانع نصب پوستر های این جنایت گستر و دو معاون از قماش خودش گردید، مورد لت و کوب گماشتگان شمشیرزن قرار گرفت و اینبار نیز افراد اجیر شده او زمانی به کشتار هموطنان ما آغاز کردند که مردم محل در یک گوشه دیگر شهر مانع نصب پوستر های این و هابی جنایت پیشه گردیدند.

این خود میرساند که مردم تا چه حد و اندازه از این فرد کثیف و خونریز و معاونین بد ریخت اش متنفر اند. شرم هم چیزی خوبی است که در خمیر این شمشیرزن و امثال او، خدای داناست، که نیست. یک منبع که خواست نامش در خبر گرفته نشود به خبرگزاری بخدی گفت که درگیری برای مدت کوتاهی ادامه داشت و پس از آن نیروهای امنیتی خود را به محل رویداد رساندند.

منبع متذکره حق دارد که از افشأ نام خویش خودداری کند، او خوب میدانسته است اگر اسم او گرفته شود، آفتاب فردا را نخواهد دید و بزرگترین توتنه وجودش، گوشش خواهد بود.

از طرف دیگر زمانیکه نیرو های امنیتی به محل رویداد رسیدند و مانع کشتار بیشتر و خونریزی بیشتر گردیدند، چرا عاملین مسلح رویداد متذکره را که از گماشتگان سیاف و هابی بودند، دستگیر نکرده و به چنگال قانون نسپردند؟!

فکر میکنم جواب روشن خواهد بود و نظر به کارروائی پولیس در دو واقعه قبلی در زمینه، وابستگی بیشتر افراد پولیس و شاید هم وزارت داخله در گل، به عبدالرب رسول سیاف، چون آفتاب روشن می شود.

از سویی هم فهیم کوهدامنی، سخنگوی ستاد انتخاباتی عبدالرب رسول سیاف گزارش درگیری ستاد

د پاپو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په ځير و لولۍ

انتخاباتی سیاف با باشندگان محل را رد کرد.

او به خبرگزاری بخدی گفت که در این درگیری ستاد انتخاباتی سیاف هیچ نقشی نداشته است. واقعاً هم که دروغگو حافظه ندارد. در محل واقعه اجساد خون آلود هموطنان شریف ما بر زمین افتاده است و چند هموطن مظلوم دیگر هم در حالیکه از زخم های شان خون جاری است، ته و بالا می دوند و پوستر های رنگه سیاف در حالیکه خون آلود اند، تکه و پاره زیرپا ها افتاده اند و تفنگ داران سیاف شمشیری هم که از سر و روی شان نفرت و وحشت می بارد، غر و فش میزنند و مشغول تهدید و توهین مردم اند و جمعی از هموطنان ما هم شاهد ماجرا و... و اما فهیم کوهدامنی، تروریست شناخته شده و دزد سرگردنه، با عبا و قبا و کفش و کلاه به چشم مردم درآمده، صاف و ساده منکر همه چیز می شود. فهیم خان کوهدامنی! به مردم شریف افغانستان توهین نکنید!!

بگفته مشهور: " خر خودتی !!!"

مقام های امنیتی تا کنون در مورد درگیری امروز اظهار نظری نکرده اند.

مقام های امنیتی هرگز هم در مورد درگیری متذکره، لب از لب نخواهند گشود. آب زور سر بالا می رود. کوتل خیر خانه، جایی که درگیری رخ داده در شمال کابل واقع شده و نقاط پر ازدحام شهر به شمار می رود. می بینی فهیم خان کوهدامنی که گزارشگر وظیفه شناس و صادق "خبرگزاری بخدی"، در حقیقت با علاوه نمودن همین سطر آخر در گزارش خود، سیلی محکمی بر روی کتف تو دروغگو حواله کرده است. " کوتل خیر خانه، جایی که درگیری رخ داده در شمال کابل واقع شده و [از] نقاط پر ازدحام شهر به شمار می رود."

*- باعرض پوزش از شاعر ، مولیان به(خون کابلیان) تعویض گردید.

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ